

سیمای اسکندر در شاهنامه فردوسی و ادبیات قزاق

آیناش سیتوا*

شاهنامه فردوسی نه تنها از لحاظ کیفیت و کمیت بزرگترین اثر ادبیات و نظم فارسی است، بلکه می‌توان گفت یکی از شاهکارهای ادبی جهان به شمار می‌رود و به عقیده عده‌ای از محققین و ادبا، عظیم‌ترین یادگار ادبی نوع بشر محسوب می‌شود. بسیاری از شاعران نامی جهان تحت تأثیر شاهنامه فردوسی قرار گرفتند. گوته، شاعر بزرگ آلمان، برای قهرمانان شاهنامه ارزش زیادی قایل بود. گینه، شاعر نامدار آلمان نیز تحت تأثیر شاهنامه فردوسی، منظومه «فردوسی شاعر» را سرود. چرنیشوسکی، منتقد روس، چنین تأکید می‌کرد که «راز شورانگیزی و پایدار ماندن سخن فردوسی آن است که شاهنامه از ادبیات شفاهی ملی سرچشمه گرفته است». از سوی دیگر شعرابی چون سعدی، نظامی، جامی و... نیز در برابر نبوغ فردوسی سر تعظیم فرود آوردند:

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کونایف قزاقستان

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد
یا شاعر فارسی زبان دیگری درباره بزرگی فردوسی چنین می گوید:
اونه استاد بود و ما شاگرد او خداوند بود و ما بنده

آشنایی مردم آسیای میانه و قزاقستان با شاهنامه فردوسی، به عمق قرن‌های گذشته برمی‌گردد. به عقیده آکادمیک بارتلد، آشنایی آنان از دروه قاراخانی‌ها آغاز شد. زمانی که سرایش شاهنامه فردوسی رو به اتمام بود، قاراخانی‌ها (پیشوایان قبیله‌هایی از ژتیسو) پایتخت سامانیان، بخارا را تسخیر کردند. در کتاب معروف یوسف بلاساغونی با عنوان «قودتقو بیلیک» (دانشی که سعادت می‌بخشد) که در آن اجتماع دولت مجدد قاراخانی در قرن یازدهم و توسعه قسمت‌هایی از شاهنامه فردوسی در میان قبیله‌های ترک‌زبانان معین شده بود، از تعدادی از قهرمانان شاهنامه چون: فریدون، انوشیروان، ضحاک و غیره نام برده شده است. تصادفی نیست که «قودتقو بیلیک» به شاهنامه ترکی مشهور شده است.

اولین ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان قزاقی، در حدود سال ۱۸۳۰ میلادی و با کوشش شاعر معروف قزاق، اوراز ملا انجام شد. در طول سال‌های ۱۸۳۶ - ۱۸۷۰ اوراز ملا سه ترجمه از شاهنامه انجام داد که یکی از نسخه‌های آن، در حال حاضر در قسمت دست‌نویس‌های دانشکده ادبیات و هنر آکادمی علوم قزاقستان نگهداری می‌شود. سرد علی، شاعر قزاق نیز در حدود سال ۱۸۸۰ بعضی از قسمت‌های شاهنامه را ترجمه کرد که با عنوان «قصه رستم» در شهر قازان در تاتارستان منتشر شد.

شاعر معروف قزاق، تورماغنبت آیزتیلووف نیز شاهنامه فردوسی را به روش نظیره که از قدیم در ادبیات شرق رایج بود، بازگو کرد. مختار عوضوف در مقدمه آثار تورماغنبت که با عنوان «داستان رستم» منتشر شد، ذکر می‌کند: «آثار تورماغنبت ترجمه مستقیم شاهنامه فردوسی نیست، بلکه آن را باید یک نسخه قزاقی که به سبک نظیره بازگو شده است، دانست». کتاب دوجلدی رستم و سهراب اثر تورماغنبت در سال جاری به چاپ دوم رسید.

به هر حال ترجمه قزاقی و انتشار قسمت‌هایی از شاهنامه، جایگاه این آثار را در عرصه معنوی مرم قزاق منعکس می‌کند.

شاعر نامی و روشنگر قزاق، آبای قونان‌بای اولی، از آثار شاعران برجسته فارسی زبان الهام گرفته و با شیوه‌های گوناگون در مطالب ادبی خویش از آن استفاده کرده است. آبای در اولین اشعار خود از روح شعرایی چون فردوسی طوسی، نظامی گنجوی، سعدی و حافظ شیرازی و دیگران برای کار خلاقه خویش مدد خواسته است. وی در موضوعات شرقی، سه داستان به نام‌های: «اسکندر»، «حکایت عظیم» و «مصفوت» نوشت.

منظومه اسکندر یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات قزاق است. سیمای سردار یونان، اسکندر مقدونی‌ای یا اسکندر ذوالقرنین که کشورهای زیاد غرب و شرق را تسخیر کرد، از قدیم مورد علاقه اقشار مختلف بود. در آثاری که شرقیان درباره اسکندر نوشته‌اند، چهره اسکندر تاریخی اصلی از بین رفته و تمثالی بسیار عالی از او ساخته شده است. برتلس، محقق و شرق‌شناس روس، در این مورد نوشته است: «در اواخر حکومت ساسانیان رایج شد که وانمود کنند، اسکندر حاکم بسیار خوب و بی نظیری است». در کشورهای شرق، شاعران متعددی به سیمای اسکندر توجه کردند. پیش از همه فردوسی بزرگ به او پرداخت. فردوسی در اثر خود، شاهنامه، فصل بزرگی را به توصیف لشکرکشی‌های زیاد و بی‌نظیر اسکندر اختصاص داد. محققان تأکید کرده‌اند که عناصر اصلی این توصیف، به رمان یونانی پسودا کالیسفن برمی‌گردد. در وصف فردوسی از اسکندر آمده است:

سپهر اندرین نیز چندی بگشت	زهرگونه‌ای سالیان برگذشت
سکندر به دل خسروانی گرفت	سخن گفتن پهلوانی گرفت
خرد یافت لختی و شد کاردان	هشیوار و با سنگ و بسیار دان
هنرها که باشد شهان را بکار	سکندر بیاموخت ز آموزگار

در منظومه اسکندر، این شخصیت از لحاظ فلسفی و اخلاقی که اصولاً مخصوص روشنفکران آسیای میانه بود، بررسی می‌شود؛ ولی با همه این شباهت‌ها، این منظومه با

آثار شرقی، از جمله اسکندر فردوسی تفاوت‌هایی دارد. کوشش شاعر قزاق پیش از هر چیز معطوف به نشان دادن سیمای واقعی و تاریخی اسکندر است.

آبای نه فقط داستان‌های منظوم، بلکه اسناد تاریخی مربوط به اسکندر را با جدیت مطالعه کرده است. منظومه اسکندر آبای با روح رئالیسم و با نظر انتقادی که در آن زمان در ادبیات قزاق مرسوم شده بود، نوشته شده است. به نقل از این کتاب، اسکندر، پسر فیلیپ شاه در ۲۱ سالگی به تخت سلطنت رسید و در مقدونیه حکومت کرد. چنان که می‌نویسد:

آیا این توده مردم اسکندر را می‌شناسند؟

شهر مقدونیه محل اقامت اوست

پسر فیلیپ شاه شاداب

که آدم لافزن طمع کاری است.

در شاهنامه فردوسی، تاریخ اسکندر از توصیف جنگی بین داراب و حاکم یونان، فیلافوس شروع می‌شود. اسکندر از پرداخت حق به داراب خودداری می‌کند و به این سبب جنگی در می‌گیرد که به پیروزی اسکندر می‌انجامد. اسکندر سپس علیه شاه هند، فوراً اقدام می‌کند و در جنگ تن به تن او را می‌کشد. ملاقات با برهمنان در اسکندر تأثیر بسیاری می‌گذارد؛ آنان اسکندر را سرزنش می‌کنند که در جنگ‌های بی‌رحمانه خون مردم بی‌گناه را می‌ریزد. اسکندر نیز تصمیم می‌گیرد که از این پس فقط در راه نجات بشریت با ستمکاران بجنگد.

گاهی شاعر، اسکندر را به عنوان انسانی بی‌رحم و بی‌انصاف توصیف می‌کند، مثلاً اشاره می‌کند که اسکندر بعد از تسخیر سند دستور می‌دهد که همه مردم را بکشند. ولی با گذشت زمان سعی می‌کند اختلاف را از راه صلح رفع کند.

برخلاف اسکندر آبای که شخصیت ثابتی دارد، اسکندر فردوسی پیوسته در حال تحول است. اخلاق اسکندر فردوسی تحت تأثیر رویدادهای گوناگون و همچنین بعد از

صحبت با فیلسوفان و برهمنان پرورش می‌یابد و از شاه جوان غافل به حاکم عاقل و عادل تبدیل می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، تهران، انتشارات خوشه.
- ۲- نگاهی به زندگی و آثار آبای بنیانگذار ادبیات نوین قزاق، انتشارات سروش.
- ۳- آبای قونانبايف، گزیده آثار، آلماتی، ۱۹۵۸.
- ۴- عوضوف آبای قونانبايف، آلماتی، ۱۹۶۷.
- ۵- تاریخ ادبیات قزاق، آلماتی، ۱۹۶۱.
- ۶- برتلس، رمان درباره الکساندر، مسکو، ۱۹۴۸.
- ۷- بار تولد، ایران، تاشکند، ۱۹۲۶.
- ۸- سامایلوویچ، حماسه ایران در ادبیات مردم ترک آسیای میانه، لنینگراد، ۱۹۳۴.
- ۹- ستپایوا، ادبیات قزاق و شرق آلماتی، ۱۹۸۲.
- ۱۰- کومیسپایوف، آبای و شرق، آلماتی.
- ۱۱- اوسمانوف، زندگی و آثار وی.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی